

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# انگلیس

و

## اشغال ایران در جنگ جهانی اول

محمدقلی مجد

(استاد بازنشسته دانشگاه پنسیلوانیا)

مترجم: مصطفی امیری

ویراستار: علی اکبر رنجبر کرمانی



مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

بهار ۱۳۹۹

## فهرست مطالب

۱۱	سخن ناشر
۱۳	فصل اول / مقدمه
۲۱	طرح کتاب
۲۹	فصل دوم / ایران در آستانه جنگ جهانی اول ...
۳۳	افزایش توجه آمریکا به ایران
۳۷	ماجرای انتخابات مجلس سوم
۴۱	اعلام برگزاری انتخابات
۴۳	انتخابات در تهران
۴۵	انتخابات در ایالات و ولایات
۵۰	ژاندارمری ایران
۵۲	اعزام ژاندارم‌ها به جنوب
۵۶	تاجگذاری احمدشاه و افتتاح مجلس سوم

۱۷۵	پایان «تهدید آلمان»	۶۱	<b>فصل سوم / سرآغاز تجاوزات نظامی به ایران</b>
۱۸۳	دفع حمله روس‌ها به خاک عراق	۶۷	اعزام قوای انگلیسی به خلیج فارس و تلگرام‌های جنگی
۱۸۶	عملیات نظامی تُرک‌ها در غرب ایران	۷۳	مشکلات زود هنگام در آذربایجان
۱۹۵	انتصاب وثوق‌الدوله	۸۵	حکم جهاد
۱۹۸	تصمیم وزرای مختار انگلیس و روس برای تخلیه تهران	۹۰	اشغال تبریز و ارومیه به دست نیروهای تُرک، ژانویه ۱۹۱۵
۲۰۷	اوضاع نظامی در غرب ایران	۹۰	گزارش مطبوعات ایران
۲۰۹	پیروزی روس‌ها در آذربایجان	۹۳	تصرف مجدد تبریز توسط روس‌ها
۲۱۳	تحت‌الحمايه خواندن ایران	۹۳	بیرون راندن قوای تُرک از آذربایجان
۲۱۳	«اتحاد سه‌جانبه در شرق مرکزی»	۹۶	اخراج آلمان‌ها از تبریز توسط نیروهای روس
۲۱۷	بیرون راندن قوای تُرک از ایران	۱۰۰	اشغال محمره و اهواز توسط قوای انگلیس
۲۲۶	پایان عملیات تهاجمی قوای روس	۱۰۴	قطع خط لوله نفت
		۱۰۶	نبرد غدیر، عربستان
۲۳۷	<b>فصل پنجم / اشغال جنوب ایران به دست انگلیس ۱۹۱۸-۱۹۱۵</b>	۱۰۹	دستگیری آلمان‌ها در جنوب ایران به دست انگلیسی‌ها
۲۴۳	خروج اجباری اتباع انگلیس و روس از یزد و کرمان	۱۱۴	عزیمت یک گروه آلمانی به ایران، آوریل ۱۹۱۵
۲۴۵	بیرون راندن انگلیسی‌ها از شیراز	۱۲۱	تقسیم مجدد ایران بین انگلیس و روس، ۱۹۱۵
۲۴۶	کابینه جدید در تهران	۱۲۴	اوضاع سیاسی تهران، بهار ۱۹۱۵
۲۵۱	نیروی اعزامی سایکس به جنوب ایران	۱۳۰	تهاجم دوباره انگلیس به خوزستان، آوریل ۱۹۱۵
۲۵۴	کمر بند شرق و اشغال شرق ایران	۱۳۵	کشتار در خفاجیه، ۱۶-۱۴ مه ۱۹۱۵
۲۵۸	اشغال مجدد شیراز و کودتا در کرمان	۱۳۸	افتادن کنترل خوزستان به دست انگلیسی‌ها
۲۶۰	پیشروی به سوی کرمان		
۲۶۳	پیشروی به سوی اصفهان از طریق یزد	۱۴۵	<b>فصل چهارم / تصرف شمال ایران به دست روسیه ۱۹۱۷-۱۹۱۵</b>
۲۶۶	حرکت به سوی شیراز	۱۴۷	ورود قشون روس [به خاک ایران] در تابستان ۱۹۱۵
۲۶۷	ادغام ژاندارمری در نیروی تفنگداران جنوب ایران	۱۵۸	پیشروی قشون روس به سوی تهران و بحران نوامبر ۱۹۱۵
۲۶۹	شورش در کازرون و بسته شدن جاده بوشهر به شیراز	۱۶۳	حفاظت آمریکا از منافع آلمان و عثمانی
۲۷۱	نظرات سایکس درباره عشایر و سیاستمداران ایران	۱۶۹	هجوم روس‌ها، دسامبر ۱۹۱۵
۲۷۴	«اعاده نظم در فارس»، ۱۹۱۷	۱۷۳	کابینه فرمانفرما و اخراج افسران سوئدی
۲۷۸	دشمنی با تفنگداران جنوب ایران از نگاه مطبوعات	۱۷۵	اشغال کرمانشاه، اصفهان و کاشان به دست روس‌ها

۳۶۱	تن دادن آمریکایی‌ها به سیاست بریتانیا	۲۸۴	اوضاع فارس در بهار ۱۹۱۸
۳۶۴	درخواست‌های مجدد ایران از آمریکا	۲۸۸	نبرد ده‌شیخ و نافرمانی تفنگداران جنوب ایران در خانه‌زینیان
۳۷۱	<b>فصل هشتم / تهاجم جدید انگلیس به ایران، ۱۹۱۸</b>	۲۹۱	نبرد احمدآباد و اشغال نظامی شیراز
۳۷۶	گزارش سرهنگ دیویس، جمعی ارتش آمریکا	۲۹۴	نقشه انگلیسی‌ها برای «استقلال» جنوب ایران
۳۸۰	گسترش نیروهای انگلیس در غرب ایران	۲۹۶	تعقیب صولت‌الدوله
۳۸۰	«اعلامیه» کنسول انگلیس در کرمانشاه	۲۹۷	حمله قشقایی‌ها به آباءه و شورش دوباره تفنگداران جنوب ایران
۳۸۴	حمله نیروهای انگلیس به سنجابی‌ها، آوریل ۱۹۱۸	۳۰۰	افتادن کنترل کامل جنوب ایران به دست انگلیسی‌ها
۳۸۷	نامه قاسم سنجابی به دولت ایران	۳۰۳	<b>فصل ششم / انقلاب روسیه و خروج روس‌ها از ایران</b>
۳۸۹	دستورالعمل وزارت جنگ انگلیس در ارتباط با ایران	۳۰۵	انقلاب روسیه و سیاست ایران
۳۹۲	گزارش‌های ساوژرد	۳۱۰	فرمان برگزاری انتخابات و اوضاع سیاسی مملکت
۴۰۰	اشغال شرق ایران به دست انگلستان	۳۱۳	کمیته مجازات
۴۰۳	تشکیل نیروهای پلیس توسط انگلیسی‌ها	۳۱۹	انقلاب اکتبر روسیه
۴۰۷	تشکیل نیروی شمال ایران یا نورپرفورس	۳۲۲	مصاحبه با وزیرمختار ایران در برلین
۴۰۸	یادداشت‌های وزارت امور خارجه ایران درباره تهاجمات انگلیس	۳۲۵	عهدنامه برست - لیتوفسک و خروج ارتش روس
۴۱۱	شبه‌نظامیان مسیحی در آذربایجان	۳۲۷	لغو امتیازات اعطا شده به روس‌ها
۴۱۴	فجایع آذربایجان و اعتراض‌های ایران	۳۲۹	ارزیابی تصویب‌نامه لغو معاهدات و امتیازها
۴۲۰	شمار نیروهای انگلیس در ایران	۳۳۳	ضمیمه
۴۲۵	<b>فصل نهم / مقاومت و شکست جنگلی‌ها</b>	۳۳۳	متن رسمی تصویب‌نامه لغو معاهدات و امتیازها
۴۳۱	کوچک خان: اسطوره زمان خود	۳۳۷	<b>فصل هفتم / پیش‌درآمد تهاجمات جدید بریتانیا...</b>
۴۳۴	اولین سفر دنسترویل به انزلی، فوریه ۱۹۱۸	۳۳۹	پاسخ ایران به پیام رییس‌جمهور ویلسن
۴۳۶	قزاق‌های روس در خدمت انگلیسی‌ها	۳۴۱	نظر روزنامه‌ها درباره اعلامیه ویلسن
۴۳۹	حمله قوای انگلیس و روس به منجیل	۳۴۳	اعلامیه رییس‌جمهور ویلسن درباره جنگ زیردریایی‌ها...
۴۴۳	حمله به انگلیسی‌ها در رشت	۳۴۶	اعتراض ایران
۴۵۱	<b>فصل دهم / تهاجم ترک‌ها به آذربایجان و فرار مسیحیان</b>	۳۴۹	تبادل یادداشت‌های دیپلماتیک درباره ایران بین انگلیس و آمریکا
		۳۵۳	یادداشت بریتانیا و پاسخ ایران

۵۳۸	تحریر جمعیت ایران	۴۵۴	اشغال تبریز به دست تُرک‌ها
۵۴۲	گزارش‌های وزارت خارجه آمریکا دربارهٔ جمعیت ایران...	۴۵۷	اعلامیه‌های ارتش تُرک
۵۴۵	تلفات جانی وحشتناک و مشاهدات پایانی	۴۵۹	وضعیت نظامی و سیاسی آذربایجان
۵۴۹	<b>فهرست اعلام</b>	۴۶۱	مقاومت مسیحیان در مقابل تُرک‌ها و بروز بحران در ارومیه
۵۷۹	<b>عکس‌ها</b>	۴۶۵	خروج دسته‌جمعی مسیحیان از ارومیه
		۴۶۹	کشتار مسلمانان و غارت روستاها توسط مسیحیان
		۴۷۳	اشغال باکو به دست انگلیسی‌ها
		۴۷۶	تخلیهٔ میانه و باکو از سوی قوای انگلیس
		۴۷۸	جنگ تبلیغاتی
		۴۸۴	خروج تُرک‌ها از ایران
		۴۸۷	انتصاب سپهسالار به والی‌گری آذربایجان
		۴۸۹	<b>فصل یازدهم / روی کار آمدن کابینه دوم وثوق‌الدوله</b>
		۴۹۲	تضعیف کابینه صمصام‌السلطنه
		۴۹۳	انتصاب وثوق‌الدوله به ریاست کابینه
		۴۹۷	تلاش انگلیسی‌ها برای «دلجویی» از ایرانی‌ها
		۴۹۸	تلاش نافرجام برای برکناری کابینهٔ وثوق‌الدوله
		۵۰۷	<b>فصل دوازدهم / ایران، بازنده جنگ و صلح...</b>
		۵۱۳	چشم امید ایرانی‌ها به آمریکاست
		۵۱۵	«دعاوی» ایران
		۵۱۹	یادداشت دیپلماتیک انگلیس به ایران
		۵۲۲	نمایندگان اعزامی ایران به کنفرانس صلح
		۵۲۶	دعاوی ایران خطاب به کنفرانس مقدماتی صلح در پاریس
		۵۳۲	دعاوی ارضی ایران
		۵۳۷	<b>فصل سیزدهم / کاهش جمعیت ایران، ۱۹۱۹-۱۹۱۴</b>

بدون شک بزرگترین فاجعه تاریخ ایران است و می‌توان آن را نسل‌سوزی و هولوکاست واقعی به شمار آورد، دکتر مجد معتقد است: مسلماً درک تاریخ ایران بعد از جنگ بزرگ بدون آگاهی از این قحطی به درستی قابل فهم نخواهد بود. یافتن فجایع تاریخی دیگری که با قحطی بزرگ ایران برابری کند بسیار دشوار است. در این میان یک نکته بدیهی است، و آن اینکه ایران - بی‌طرف - بزرگترین قربانی جنگ جهانی اول بود. تلفات هیچیک از کشورهای متخاصم، چه از لحاظ نسبی و چه مطلق، با تلفات ایران حتی قابل مقایسه نیست.

امید می‌رود این کتاب که بر بنیاد اسناد وزارت امور خارجه آمریکا تألیف شده است بتواند راهگشای علاقه‌مندان به تاریخ ایران در دوره معاصر باشد.

این پنجمین کتاب از مجموعه آثار دکتر مجد است که توسط این مؤسسه ترجمه و منتشر شده است. پیش از این قحطی بزرگ...، تاراج بزرگ...، رضاشاه و بریتانیا... و از قاجار تا پهلوی ارائه شده بود. ترجمه این آثار به دلیل: ۱. فقر اسناد در بازه زمانی ۱۲۹۲ تا ۱۳۲۰؛ ۲. بهره‌گیری از اسناد منتشر شده آمریکایی؛ ۳. خودداری وزارت جنگ انگلیس از انتشار اسناد درباره اشغال ایران در این دوره و قحطی بزرگ (که تا سال ۲۰۵۳ علنی نخواهند شد)، می‌باشد.

بایسته است که مرکز اسناد انگلیس نیز با گشودن درب مراکز آرشیو اسناد خود به روشن شدن ابهامات فراوان تاریخی این دوره کمک کند و در این محکمه از خود دفاع نماید.

## مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی

## فصل اول

### مقدمه

تاریخ ایران در جنگ جهانی اول همچون نقطه کوری می‌ماند که کمتر مطلبی در طول شصت سال اخیر درباره آن نوشته شده است. اکثر منابع فارسی موجود در این باره در طول دهه ۱۹۴۰ و اوایل دهه ۱۹۵۰ نوشته شده‌اند، و به همین دلیل بر منابع اولیه و اسناد خارج شده از طبقه‌بندی تکیه ندارند.<sup>۱</sup> کتاب‌های عالمانه‌ای نیز که در طول شصت سال اخیر درباره تاریخ ایران مدرن در ایالات متحده به چاپ رسیده‌اند. عملاً اشاره‌ای به این موضوع نکرده‌اند. چند کتابی هم که در طول دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ نوشته شده‌اند اطلاعات قابل‌اعتنایی درباره مسایل نظامی و سیاسی به خواننده نمی‌دهند.<sup>۲</sup> همینطور، کتاب‌هایی که در طول بیست

۱. از میان آثار فارسی، معروف‌ترین‌شان عبارتند از: عبدالله مستوفی، *تاریخ اداری و اجتماعی ایران*؛ حسین مکی، *زندگی سیاسی سلطان احمدشاه قاجار (۱۹۵۳)*؛ ملک‌الشعراء بهار، *تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران (۱۹۴۴)*؛ احمد علی سپهر، *ایران در جنگ بزرگ، ۱۹۱۸-۱۹۱۴ (۱۹۵۳)*.

۲. برخی از این آثار عبارتند از: فیروز کاظم‌زاده، *نزاع بر سر قفقاز جنوبی ۱۹۱۷-۱۹۲۱*. نیویورک، ۱۹۵۱. ن. س. فاطمی، *تاریخ دیپلماتیک ایران، ۱۹۱۷-۱۹۲۳*. نیویورک، ۱۹۵۱. این آثار به تشریح سیاست قدرت‌های بزرگ در ایران بعد از سال ۱۹۱۷ می‌پردازند.

کامل، به قدرت‌هایی که آن را بر سر کار آورده و حمایتش می‌کردند، خدمت کرد. چیزی از کنفرانس صلح عاید ایران نشد: ایران هم در جنگ بازنده بود و هم در صلح.

فصل آخر درباره تلفات انسانی ایران در طول جنگ جهانی اول است. بدون شک ایران بزرگترین قربانی جنگ جهانی اول بود. در این فصل نشان خواهیم داد که بین ۱۰ تا ۱۳ میلیون ایرانی در طول این جنگ بر اثر قحطی و بیماری جان باختند؛ فاجعه‌ای که ابعاد غیرقابل‌تصوری داشت و شاید بزرگترین نسل‌کشی قرن بیستم بود. با وجود این تاریخ ایران در جنگ جهانی اول عملاً ناشناخته باقی مانده است. امیدوارم که این کتاب به همراه کتاب قحطی بزرگ ۱۹۱۷-۱۹۱۹ به روشن شدن گوشه‌ای از این تاریخ کمک کند.

## فصل دوم

### ایران در آستانه جنگ جهانی اول و انتخابات سال ۱۹۱۴ مجلس

در کتاب‌های تاریخ معمولاً تصویر تیره و تاری از وضعیت سیاسی و مالی ایران در آستانه جنگ جهانی اول ترسیم می‌شود. مثلاً، سایکس در پایان فصل «شکست مشروطه» در کتابش می‌نویسد: «در ظرف هفت سالی که بین امضای قرارداد انگلیس و روس و شروع جنگ بزرگ فاصله بود، ایران وضع اسفناکی داشت. روسیه همچون قدرتی غارتگر به بهانه‌های مختلف مدام در ایران مداخله می‌کرد، و یا برای دخالت بیشتر بهانه می‌تراشید.»<sup>۱</sup> چهل سال بعد نیز مورخ روس، میروشنیکف، که خود از منتقدان سرسخت سایکس و تاریخ‌نگاری انگلیسی‌ها بود، نظرات مشابهی داشت: «در آستانه جنگ، ایران رسماً یک کشور مستقل بود، و

۱. سایکس، *تاریخ ایران*، ص ۴۳۳. سایکس خصومت شدیدی با «اعیان» و طبقه حاکم ایران دارد، و مدعی است که آنها به مردم ظلم می‌کردند و مردم را می‌چاپیدند. سایکس می‌نویسد که طبقه حاکم ایران آنقدر با وحشی‌گری با مردم رفتار کرده و آنها را چاپیده بودند که این کار به «مشغولیت و سرگرمی اصلی‌شان» مبدل شده بود. از نظر سایکس، انگلیسی‌ها ایران را از دست طبقه حاکمش نجات دادند.

حکومت مشروطه سلطنتی داشت. انقلاب ایران بخش‌های عظیمی از مردم را به عرصه فعالیت‌های سیاسی کشاند، ولی نتیجه‌اش مشروطیتی ناقص به تقلید از نمونه‌های غربی، و تشکیل پارلمانی به نام مجلس بود.<sup>۱</sup> او اضافه می‌کند: «در رأس حکومت، آخرین نماینده سلسله منقرض شده قاجار، سلطان کم سن و سال و ضعیف‌النفس، احمدشاه قرار داشت. دولت مرکزی در بخش عمده‌ای از مملکت، علی‌الخصوص در ایالات دورافتاده، قدرت چندانی نداشت... دولت ایران از لحاظ سیاسی و اقتصادی بی‌نهایت ناتوان بود. ... در حقیقت، از حاکمیت و استقلال ایران اسمی بیش باقی نمانده، و فقط تضاد منافع انگلیس و روس بود که نمی‌گذاشت این کشور به یک مستعمره واقعی مبدل شود. معذک، قرارداد ۱۹۰۷ به وضوح نشان داد که دیری نخواهد پاید که تقسیم ایران بین انگلیس و روس، شکل نهایی و قطعی تری به خود بگیرد. جنگ جهانی اول وقتی شروع شد که ایران در این وضع فلاکت‌بار به سر می‌برد.»<sup>۱</sup> چنین نظراتی در کتب تاریخ کم نیست.<sup>۲</sup> ولی چنانکه در این فصل نشان خواهم داد، مشروطه سلطنتی ایران یک نظام سرزنده و خوش‌بنیه بود و ادعای شکست آن، از خصومت انگلیس و روس با یک حکومت دموکراتیک و پارلمانی در ایران سرچشمه می‌گرفت. در حقیقت، ایران در سال ۱۹۱۴ یک دموکراسی پویا بود. انتخابات مجلس سوم در سال ۱۹۱۴ انتخاباتی آزاد و دموکراتیک بود، و شمار زیادی از رأی‌دهندگان با شور و هیجان به پای صندوق‌های رأی رفتند. هرج و مرجی که متعاقب آن بر کشور حکمفرما شد نتیجه تجاوز نظامی خارجیان، و خفقان مالی ایران توسط انگلیس و روس بود. همین انگلیس بود که «حکومت خودسرانه» و دیکتاتوری نظامی رضاشاه پهلوی را بر

۱. میروشنیکف، *ایران در جنگ جهانی اول*، صص ۲۲-۲۶.

۲. کاتوزیان، *دولت و جامعه در ایران*، ص ۲۰؛ جهانگیر آموزگار، *پویایی‌شناسی انقلاب ایران*، آلبنی: انتشارات سانی، ۱۹۹۱. سیروس غنی، *ایران و برآمدن رضا شاه*، لندن، انتشارات تاوریس، ۱۹۹۸.

مردم ایران تحمیل و پایه‌های آن را مستحکم کرد.<sup>۱</sup> با وجود این، تصویر بسیار متفاوتی از اوضاع ایران در گزارش‌های دیپلماتیک سفارت آمریکا در تهران ترسیم شده است. این گزارش‌ها حکایت از آن دارد که قرارداد انگلیس و روس شکست خورده، و در سال ۱۹۱۲ عملاً کاغذپاره‌ای بیش نبود. در عین حال، ایران از طریق حکومت پارلمانی و نظام مشروطه‌اش برای تضمین نجات و استقلال خود می‌کوشید. علاوه بر این، تشکیل ژاندارمری ایران تحت نظر سوندی‌ها و به همت افسران ایرانی وزنه تعادلی در برابر قوای قزاق به فرماندهی روس‌ها ایجاد کرده بود. اقدامات ژاندارمری ایران در جنوب کشور در بهار ۱۹۱۴ نشان داد که دست دولت ایران حتی به دورافتاده‌ترین نقاط مملکت هم می‌رسد. پس از پنج سال ناآرامی و جنگ داخلی متناوب بر سر مشروطه، و ضرب‌الاجل‌ها و «یادداشت‌های دیپلماتیک» انگلیس و روس، از جمله خواست آنها برای اخراج مورگان شوستر، مستشار مالی آمریکایی، ایران در اواخر سال ۱۹۱۲ به آرامشی نسبی رسید. دموکراسی نوپای ایران بالاخره می‌توانست در این آرامش نسبی به جلو گام بردارد. چارلز ولز راسل، وزیرمختار آمریکا در تهران، در جمع‌بندی‌اش از اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران در اوایل سال ۱۹۱۳، می‌نویسد: «همین چند وقت پیش از یک ناظر خارجی، که تقریباً دو سال را در ایران گذرانده، شنیدم که ایران در بهترین شرایطی است که او در طول مدت اقامتش در این کشور شاهد بوده است.»<sup>۲</sup> یکی از وزرای انگلیس نیز در مجلس عوام این کشور نظر مشابهی درباره ایران ابراز کرده بود. راسل به نقل از رویترز نیوز، چاپ تهران در تاریخ ۱۶ فوریه ۱۹۱۳، درباره اظهارات این وزیر می‌نویسد: «موضوع صحبت

۱. مجد، *رضاشاه و بریتانیا*، فصل ۳. [این کتاب با نام *رضاشاه و بریتانیا*، با ترجمه مصطفی امیری، از سوی موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است.]

۲. راسل، گزارش ۳۸۵ (۸۹۱،۰۰/۷۴۳)، مورخ ۲۰ ژانویه ۱۹۱۳.